



## بی بی زهرا گوهری موسی آباد<sup>۱</sup>

### طبیعت از منظر دین

#### چکیده

پژوهش حاضر طبیعت را از منظر دین بررسی می کند. و با هدف تبیین نگاه ادیان الهی و غیر الهی به طبیعت است. طبیعت شامل همه موجودات مادی است و منظور از دین نیز روش و قوانین زندگی انسان می باشد و شامل قوانین الهی نیز می گردد. در بسیاری از ادیان احترام به طبیعت و تأثیر اعمال انسان در طبیعت و واکنش طبیعت وجود دارد.

در دین یهود طبیعت تأثیر گذار است و باعث می شود انسان ها مراقب اعمال بد خود باشند تا دچار قهر طبیعت نشوند. در دین مسیح نیز تسلط حضرت عیسی بر طبیعت، حقانیت پیامبری او را ثابت می کند؛ اما انجیل میانه خوبی با بهره مندی از لذایذ طبیعت ندارد.

نگاه اصلی در این پژوهش، دین اسلام و کتاب جاودان آن درباره طبیعت است. دین اسلام تفکر کنندگان در طبیعت را تمجید و کسانی را که از کنار آیات الهی (طبیعت) بدون تأمل می گذرند مذمت می نماید. علاوه بر آن برای طبیعت اوصاف مقدسی می شمارد که می توان درس های بسیاری از آن آموخت. در نگرش اسلام طبیعت خدمتگزار بشر است و بشر می تواند از راه طبیعت، توحید و معاد اثبات نماید. این تحقیق به روش کتابخانه ای و تحلیلی انجام گرفته است.

**واژگان کلیدی:** طبیعت، دین، توحید، معاد، شعور.

## طرح بحث

خداوند انسان را اشرف مخلوقات خود می داند که توانایی دارد با فطرت، عقل، انبیا و کتب آسمانی بهترین استفاده ها را در طول زندگی دنیایی برده و از طریق قرب به خدا، برای سعادت در حیات جاودان آخرت آماده شود. برای تحقق این هدف خداوند طبیعت را تحت سیطره انسان قرار داده تا اولاً طبیعت را که از آیات الهی است و خداوند و صفات خداوندی را به کاملترین وجه می نمایاند، تکریم نموده، محافظت نماید و ثانیاً از ویژگی های این آیات الهی درس بگیرد.

بر خلاف دیدگاه مادی گرایان که دین ربطی به امور دنیایی و دنیا ندارد، ادیان از ابتدا به دیدگاه تکریم به طبیعت نگریسته و در روند تکاملی علوم نگاه به طبیعت، دقیق تر و عمیق تر شده به طوری که قرآن معجزه دین اسلام چهره ای از طبیعت ارائه می کند که گویا انسان برای رسیدن به کمال مادی و معنوی خود لازم است از تک تک رموز طبیعت درس بگیرد، طبیعت درش را خیلی واضح و سریع ارائه می دهد و تنها انسان نیاز به علم و تفکر برای فهم آن دارد.

متأسفانه انسان امروز، با علم به اهمیت حیاتی طبیعت و ضمن تکریم ظاهری آن، در پی تخریب طبیعت است و این تخریب به صورت لجام گسیخته و سرسام آور، تنها منافع طغیان گران و شیطان صفتان را تأمین و سایرین را از بهره مندی سودمند و کافی محروم می کند. ارزش گذاشتن به طبیعت در فکر و عمل چیزی است که لازم است همواره جریان داشته باشد. از سوی دیگر با کشف هر چه بیشتر رموز طبیعت اعتقاد به صانع آن و صفات او نیز دائماً افزون گردد.

دلایل فوق می تواند بهترین انگیزه برای پرداختن به موضوع طبیعت باشد. این نوشتار پس از تعریف واژگان، به ارزش طبیعت از نگاه ادیان پرداخته، لذا از نگاه ابتدایی و ادیان غیر الهی شروع و در نهایت به ادیان الهی و نگاه جامع دین اسلام ختم می شود. این نگرش طبیعت را عامل رسیدن به توحید و معاد می داند.



و در پایان درس‌هایی که طبیعت به انسانها می‌آموزد به اختصار بیان می‌گردد.

## ۱. مفهوم شناسی

### ۱-۱. طبیعت

طبیعت: به معنای سرشت است که مردم بر آن آفریده شده‌اند.

طبیعت: خلقت، فطرت، طینت، خمیره، جعبت، نهاد، آب و گل، منش، خوی، غریزه، ماده، جهان مادی، خاصیت، مزاج، ترکیب، طبیعت جمع طباع و اطباع، قدما آب، باد، خاک و آتش را طبایع اربعه می‌گفته‌اند. (دهخدا/ ۱۳۷۳: ۱۳۵۴۸)

الطبع و الطبیعة و الطباع: الخلیقه و السجیة به معنای ویژگی و سرشت. (الحسینی الزبیدی/ ۱۴۰۵:

۲۱-۴۳۷)

به طور کلی عناصر طبیعی را به دو دسته آسمانی و زمینی می‌توان تقسیم کرد که عناصر طبیعی آسمانی شامل ستارگان، ماه و خورشید افلاک و صورتهای فلکی و ... و عناصر طبیعی زمینی آب، باران ابر و باد، کوه، نهر، چشمه دریا، حیوانات و آبزیان و پرندگان و گیاهان و درختان و ... در قرآن کریم است. (رستمی/ ۱۳۸۶: ۴۱)

طبیعت همه موجودات مادی همراه با قوانین حاکم بر آنهاست و شامل اجرام شناور آسمانی که در بالای سر ما قرار دارند و نیز تمامی اجسام پیرامون ما می‌شود. (جوهری/ بی تا: ۳-۱۲۵۲)

### ۲-۱. دین

الدین: هو وضع الهی لاولی الالباب یتناول الاصول و الفروع «دین: آن قوانین الهی است که برای خردمندان گذاشته و شامل اصول و فروع است» (طریحی/ ۱۳۷۵: ۶-۲۵۱)

الدین: الجزاء؛ دین: به معنای جزا، طاعت، راغب می‌گوید: شریعت را به اعتبار طاعت و فرمانبری دین گویند و آن مانند ملت و طریقه است لیکن انقیاد و طاعت در آن ملحوظ می‌باشد. در قرآن از



آن به ملت نیز تعبیر شده است. «دیناً قیماً ملة ابراهیم حنیفاً»

در آیه: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ...» (آل عمران/۱۹) فقط دین اسلام نیست بلکه تمام ادیانی است که به وسیله پیامبران عرضه شده یعنی همه ادیان یکی است و یک سخن گفته اند و آن تسلیم شدن به حق و خداست و اختلاف منحصری که ادیان داشته اند در اثر اختلاف زمان و اختلاف رشد و استعداد بشر است و گر نه همه تسلیم به حق را گفته اند.

«دان یدین دیناً اذا اصحب و انقاد و طاع» (زکریا- ۱۴۰۴: ۲-۳۱۹)؛ به معنای زمانی که همراهی کند و پذیرا باشد و اطاعت کند.

## ۲. طبیعت در نگاه ادیان غیر توحیدی

دین با خلقت بشر آغاز و همراه بشر رو به تکامل بوده و مانند کلاس های درس مرحله به مرحله فکر بشر را رشد داده است.

توجه به طبیعت در ادیان ابتدایی چشم گیر است که در موارد افراطی به پرستش طبیعت منجر شده است. به طور مثال آئین جان گرایی «آنیمسم» قائل بود همه مظاهر طبیعت روح دارند و برای بهره برداری از آنها باید به نیایش و سپاس و ستایش آنها پرداخت که گاه به عبادت و پرستش و قربانی در نزدشان می انجامید. (توفیقی/۱۳۷۹: ۱۴)

در آموزه های بودا یکی از قوانین بزرگ زندگی این است که به هیچ موجود زنده ای آسیب نرساند، مکتب تائوئیسم (تائو یعنی تناسب) که به لائوتسه حکیم منسوب است (متوفای ۵۱۷ ق.م) (توفیقی/ ۱۳۷۹: ۴۲)، در رساله او (تائوته چینگ) آمده: اشیاء هرگاه در بستر طبیعی خود سیر کنند، با کمال تناسب حرکت خواهند کرد زیرا این حرکت با تائو هماهنگ است ولی هرگاه چیزی از بستر طبیعی منحرف شود تناسب خود را از دست می دهد هدف نهایی انسان باید آن باشد که خود را با تائو

هماهنگ کند. (توفیقی/ ۱۳۷۹: ص ۵۲)



جان ناس در گزارشی از این باورها می نویسد: پرستش عناصر عالم وجود، مانند خاک، باد، آتش و آب رواج داشته و همه آنها به صورت کلی و مطلق مورد عبادت و پرستش قرار می گرفتند. (رستمی /۱۳۸۶: ۷۰)

دین (شین تو) بر ژاپن حاکم بود و این دین در اصل و عمدتاً پرستش طبیعت بود. تقریباً تمام خدایانی که در منابع اولیه مورد مراجعه قرار می گیرند اشیا و یا نیروهای طبیعت هستند. ربّ النوع خورشید در میان خدایان طبیعت مهم ترین موضوع مورد پرستش می باشد. (رستمی /۱۳۸۶: ۷۱)

مردم مصر همه آثار طبیعت را می پرستیدند؛ چه آنها که بهره ای می رساند و چه آنها که مصیبتی به باری می آورد. (رستمی /۱۳۸۶: ۷۵)

اکثریت اعراب جاهلی مشرک بودند و به وجود نیروی الهیت مکنون و منتشر در ستارگان و بعضی دیگر از مظاهر طبیعت ایمان داشتند. (رستمی /۱۳۸۶: ۸۲)

آیین کنفوسیوسی، معتقد است: انسان ها همراه با عالم طبیعت نوعی زنجیره وجود را تشکیل می دهند که «جی» که مشتمل بر نوعی حیاتمندی پویاست، رشته پیوند آن است. حیات دستخوش فرایند تحول دائمی است که آدمیان باید اعمال خویش را با آن هماهنگ سازند. تا کر تأکید می ورزد که در آیین نوکنفوسیوسی، خودپروری را فقط در سیاق این دیدگاه خاص درباره طبیعت می توان فهمید. کلیت عالم، تأثیری مستقیم بر تکوین اخلاقی و معنوی انسان ها دارد و قوانین اخلاقی و کیهانی از هم جدایی ناپذیرند. به علاوه، انسان به همراه آسمان و زمین یک پیکر واحد را تشکیل می دهند و این دیدگاهی است که تا کر از آن به دیدگاه کیهان محورانه به جای دیدگاه انسان محورانه تعبیر می کند.

در آیین هندو نویسندگان مختلف سعی داشته اند که به اصل اهیمنسا (در معنای تحت الفظی یعنی مزاحمت ایجاد نکردن) روی بیاورند؛ گاندی این اصل را به معنایی سیاسی مورد استفاده قرار داد؛



ولی می‌تواند برای تعریف رویکرد انسان به محیط زیست نیز تعمیم داد.

دلایلی لاما، در عین بحث از همبستگی‌های همه موجودات در دیدگاه بودایی، اخلاق حفاظت از محیط زیست را در حکم مراقبت از خانه خویش، می‌داند. او می‌نویسد: «مراقبت از این سیاره، چیزی مخصوص، چیزی قدسی یا مقدس نیست. این مراقبت درست همانند مراقبت از خانه خویش است. باید مورد استفاده قرار بگیرد.» (توفیقی / ۱۳۷۹: ۴۲)

### ۳. طبیعت در نگاه ادیان توحیدی

منظور از ادیان توحیدی که به آن اشاره می‌شود سه دین یهود، مسیحیت و اسلام است که بدون تحریف توحیدی می‌باشد.

#### ۱-۳. دین یهود

بنا به دیدگاه تورات، طبیعت مکان خداوند است (همچنان که تمامی موجودات مادی برای خود مکانی دارند) و بر این اساس طبیعت مادی محیط بر اوست و خداوند تحت احاطه طبیعت قرار دارد، چنان که صاحب خانه تحت احاطه خانه خود قرار دارد.

اما قرآن بیان می‌کند که کوه‌ها قدرت تحمل تجلی خداوند را در خود ندارند، پس چگونه می‌توانند مسکن خداوند باشند؟! (رستمی / ۱۳۸۶: ۱۲۱)

در تورات، همانند قرآن، طبیعت دلیلی بر قدرت و سلطنت الهی دانسته شده و برای اثبات خالق و صفات او به مظاهر طبیعی استدلال گردیده است. البته باید گفت اولاً قرآن از طرح طبیعت و مظاهر طبیعی افزون بر اثبات قدرت و تمکن الهی، اهداف دیگری همچون اثبات معاد و عقاب و ثواب را نیز تعقیب می‌کند که در تورات از آنها خبری نیست، ثانیاً استدلال به طبیعت در قرآن بسیار گسترده‌تر از تورات طرح شده است.

در جای دیگر تورات آمده است: (خداوند، ایوب را مخاطب قرار داد و گفت): وقتی که زمین را بنیاد



نهادم کجا بودی؟ بیان کن اگر فهم داری کیست که آن را پیمایش نمود اگر می دانی؟ و کیست که ریسمان کار را بر آن کشید؟ پایه هایش بر چه چیز گذاشته شد؟ و کیست که سنگ زاویه اش را نهاد هنگامی که ستارگان صبح با هم ترنم نمودند.

آیا قانون های آسمان را می دانی یا آن را بر زمین مسلط می گردانی؟ آیا آواز خود را به ابرها می رسانی ... آیا برق ها را می فرستی تا روانه شوند... کیست که با حکمت، ابرها را بشمارد و کیست که مشک های آسمان را بریزد... آیا شکار را برای شیر ماده صید می کنی و اشتهای شیر ژبان را سیر می نمایی ... کیست که غذا را برای کلاغ آماده می سازد چون بچه هایش نزد خدا فریاد برمی آورند و به سبب نبودن خوراک آواره می گردند؟(رستمی /۱۳۸۶: ۱۰۶-۱۰۷)

تورات از طبیعت چهره ای خشن و هولناک ارائه می کند و همواره طبیعت در ذهن خواننده به عنوان موجودی وحشت آفرین و مخوف نقش می بندد. فضایی که تورات ترسیم می کند ترسناک است و عناصر طبیعی به ویژه دریا، بادها، شب و روز، مظهري از شرّ معرفی شده که کمر به نابودی و دشمنی با انسان بسته اند. از نظر تورات موجوداتی مخوف که در دریا زندگی می کنند، با موجودات زنده در خشکی دشمنی داشته و بسیاری را به نابودی کشانده اند. بادها، تنها مظهري از شرّآفرینی و عذاب و ویرانی دانسته شده اند و مفهوم شب نیز مفهومی همراه با شومی و بدبختی معرفی شده است. این نمونه را بنگرید:

ای قوم من، بیایید به حجره های خویش داخل شوید و درهای خود را در عقب خویش ببندید. خویشتن را اندک لحظه پنهان کنید تا غضب بگذرد؛ زیرا اینک خداوند از مکان خود بیرون می آید تا سزای گناهان ساکنان زمین را به ایشان برساند... در آن روز خداوند به شمشیر سخت عظیم محکم خود آن مار تیزرو (لویاتان) و آن مار پیچیده (لویاتان) را سزا خواهد داد و آن اژدها را که در دریا است خواهد کشت.



برخی واژه (لویاتان) را اشاره به فرعون دانسته اند، ولی اقرار دارند که مقصود از لویاتان در این عبارت همان جانور دریایی است، آن جا که می گوید: و آن دریای وسیع الاطراف و بزرگ که در آن حشرات از حدّ شماره زیاده اند... و آن لویاتان که به جهت بازی کردن در آن آفریده... (رستمی/ ۱۳۸۶: ۱۱۱ و ۱۱۲)

تورات به (زمین) نگاه بدبینانه ای داشته تا آن جا که آن را (ملعون) معرفی و بیان کرده است که خداوند زمین را لعنت کرده است. نمونه را بنگرید:

- پس از آن که آدم و حوا از درخت ممنوعه خوردند و عارف نیک و بد شدند و خداوند گفت نکند از درخت حیات نیز بخورند و تا ابد زنده بمانند - به آدم گفت چون سخن زوجه ات را شنیدی و از آن درخت خوردی که امر فرموده و گفتم از آن نخوری، پس به سبب تو ملعون شد و تمام ایام عمرت از آن زمین با رنج خواهی خورد...

تصور تورات از عالم طبیعی، جهانی بزرگ و جسیم است که پدید آوردن آن تلاش و خستگی فراوان خداوند را در برداشت.

پس خدا روز هفتم را مبارک خواند و آن را تقدیس نمود؛ زیرا که در آن آرام گرفت از همه کار خود که خدا آفرید و ساخت. (رستمی / ۱۳۸۶: ۱۱۹)

در مورد ارتباط دین با طبیعت در تورات آمده است: خداوند فرمود: اگر تمامی اوامر مرا اطاعت کنید، به موقع برای شما باران خواهیم فرستاد و زمین، محصول خود را و درختان، میوه ی خود را خواهند داد. خرمن شما به قدری زیاد خواهد بود که کوبیدن آن تا هنگام چیدن انگور ادامه خواهد داشت و انگور شما به قدری فراوان خواهد بود که چیدن آن تا فصل کاشتن بذر طول خواهد کشید. خوراک کافی خواهید داشت و در سرزمین خود در امنیت زندگی خواهید کرد، زیرا من به سرزمین شما صلح و آرامش خواهم بخشید و شما با خاطری آسوده به خواب خواهید رفت. حیوانات خطرناک را از سرزمینتان دور خواهم نمود و ...





ولی اگر به من گوش ندهید و مرا اطاعت نکنید، قوانین مرا رد کنید و عهدی را که با شما بسته ام بشکنید، آنگاه من شما را تنبیه خواهم کرد و ترس و امراض مهلک و تیبی که چشم هایتان را کور کند و عمرتان را تلف نماید بر شما خواهم فرستاد. بذر خود را بیهوده خواهید کاشت، زیرا دشمنانتان حاصل آن را خواهند خورد. من بر ضد شما بر خواهم خاست ... (سلیمانی اردستانی/ ۱۳۸۲: ۶۶ و ۶۷)

از تأثیر و تأثر دین و طبیعت در تورات نتیجه می‌گیریم که طبیعت یک مجموعه به هم پیوسته و دارای شعور است که اعمال همه موجودات از جمله انسان در آن واکنش دارد.

## ۲-۳. دین مسیح

وقتی در انجیل از باد و دریا یاد کرده که معجزه ای از ناحیه عیسی رخ داده است.

عیسی و شاگردانش بر کشتی سوار شدند و در بین راه دچار طوفانی سهمگین گردیدند و ترس و اضطراب فراوان باعث شد عیسی را از خواب بیدار کنند و از وی راه نجاتی بخواهند. عیسی هم آنان را به کم‌ایمانی سرزنش نمود و به آب دریا و بادها فرمان داد آرام بگیرند و ناگهان آرامشی عمیق حکمفرما شد. و آن را سبب ایمان آوردن مردم به عیسی قلمداد می‌کند و بیان انجیل از طبیعت همواره در حول و حوش همین هدف قرار دارد.

اما در دیدگاه قرآن ایمان باید همواره بر اساس استدلال استوار باشد. قرآن از بیان عناصر طبیعی، هدف ایجاد تفکر در انسان را تعقیب می‌کند که همگی نشانه وجود خداوند هستند.

انجیل میانه‌ی خوبی با استفاده از نعمت‌های مادی و بهره‌مندی از لذایذ طبیعی ندارد.

«هیچ کس دو آقا را خدمت نمی‌تواند کرد؛ زیرا یا از یکی نفرت دارد و با دیگری محبت و یا به یکی می‌چسبد و دیگری را حقیر می‌شمارد. محال است که خدا و مال را خدمت کنید. بنابراین به شما می‌گوییم از بهر جان خود اندیشه‌مکنید که چه خورید یا چه آشامید و نه برای بدن خود که



چه بپوشید آیا جان از خوراک و بدن از پوشاک بهتر نیست، مرغان هوا را نظر کنید که نه می کارند و نه می دروند و نه در انبارها ذخیره می کنند و پدر آسمانی شما آنها را می پروراند...»  
(رستمی/۱۳۸۶: ۱۳۰۵)

البته این عبارت قابل تفسیر صحیح نیز هست و شاید مقصود ترک وابستگی به دنیا باشد که همان زهد حقیقی است.

ولی مسیحیان از دین مسیحیت ترک مطلق دنیا و بهره مند نشدن از لذایذ دنیوی را فهمیده و هر کس را که بیشتر تارک دنیا باشد مقدس تر به شمار آورده اند.

اماقرآن استفاده از لذایذ مادی را به شرط (طیب بودن) و به طور کلی طیبات را مجاز و حلال شمرده است.

جوهری می نویسد: طیب به معنی استفاده از خوردنی ها و برخورداری از همسر است. (جوهری/ بی تا: ۳-۱۲۵۲ و ۱۲۵۳)

راغب اصفهانی می نویسد: اصل طیب به معنای چیزی است که حواس از آن لذت ببرد و نفس آدمی را خوش آیند باشد. (راغب/ ۱۳۹۲: ۳۲۱) (رستمی/۱۳۸۶: ۱۲۸ تا ۱۳۳)

#### ۴. دین اسلام

موضوع طبیعت در دین اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است به گونه ای که در قرآن صفحه ای نیست که از آن ذکر نشده باشد. در این نوشتار سعی براین است نگاهی اجمالی به موارد مطرح شده در قرآن بنماییم.

##### ۴-۱. جهان بینی دین اسلام در مورد طبیعت

از نظر اسلام مطالعه جهان هستی که مجموعه ای است هماهنگ و واحد به هم پیوسته از وحدت و یگانگی خالق خبر می دهد و ما را به توحید می رساند، زیرا با دقت درآفرینش می بینیم که ذرات و اجزای این عالم چنان به هم پیوسته و مربوط است که همگی یک واحد را تشکیل می



دهند. در این نظام آنچه بر ذره ناچیز یعنی اتم حاکم است. همان بر جهان بزرگ یعنی منظومه ها و کهکشان ها حکومت می کند که قانون جاذبه و دافعه است.

رنگ های موجود که با چشم ما درک می شود همه به امواجی بر می گردد که تفاوتشان در شدت و نوسان و کوتاهی و بلندی این امواج است.

تمام صداها به مبدأ واحدی باز می گردد که تفاوت ارتعاش و نوسان آنها سبب این تنوع شده است.

تمام جانوران، حشرات و گیاهان همه مرکب از سلول ها و یا خته هایی است که نظام واحدی بر آنها حکومت می کند. عناصر ترکیبی کواکب آسمان نیز شبیه اجزای ترکیبی کره زمین ما است. (مکارم شیرازی/۱۳۸۶: ۳ - ۱۷۵ تا ۱۷۷)

قرآن پس از دعوت به شناخت جهان و دعوت به نظر در کل نظام، آن را به نظام درونی و بیرونی تقسیم کرده است. به آنگاه طبیعت را که همان نظام بیرونی آفرینش است مبدأ اندیشه درباره سنن و قواعد ثابت و تغییر ناپذیر آن معرفی می کند و در موارد بسیاری به نشانه خواندن طبیعت به کاوش در آن فرمان می دهد. (یونس/۱۰۱) (ذاریات/۲۰) به نظام بیرونی اشاره شده و در سوره (ذاریات/۲۱) به نظام درونی اشاره می کند که چرا به نفس های خودتان نظر نکرده و بصیرت نمی نمایید.

## ۲-۴. معرفی طبیعت در قرآن

شناخت طبیعت از دیدگاه قرآن از دو بعد است

۱: بعد شناخت افقی و عرضی که مورد نظر مادیون نیز هست، از اجزای طبیعت یک مجموعه به هم پیوسته هدف دار، برداشت نمی شود، بلکه نظامی دقیق، حکیمانه و حادث است که در مورد ناظم و به وجود آورنده آن حرفی نمی زنیم و به آن کاری نداریم، یا به وجود آورنده اش خودش می باشد که به آنها باید گفت:



ذات نیافته از هستی بخش

کی تواند که شود هستی بخش.

۲: بعد شناخت طولی حقایق برتری که به وسیله تعقل در طبیعت استنباط می شود. قرآن شناخت عرضی اشیاء طبیعی را جدای از شناخت طولی آنها مطرح نکرده، بلکه همواره با بیان روابط عرضی اشیاء با هم از رابطه طولی آنها با خالق و مبدأ آفرینش نیز سخن گفته است. (جوادی آملی/ ۱۳۷۹: ۳۳۹)

خداوند متعال سرنوشت انسان را به گونه ای رقم زده که در دامن طبیعت رشد کند و به طور کلی بدان نیازمند باشد. مظاهر طبیعی نیز به عنوان مواهب الهی در خدمت انسان قرار گرفته تا نیازهای او را برآورد و زمینه ساز بقا و حیات او باشد. (رستمی /۱۳۸۶: ۱۷)

به راستی طبیعت و جلوه های مختلفش درخور تأمل است. متأمل، در سکوت طبیعت، ندای روح الهی و موسیقی ساحت ملکوتی را می شنود. توالی منظم شب و روز و فصول، و دگرگونی های بی پایان در همه قلمروهای طبیعت، انسان را به واقعیاتی پایدار رهنمون است. در نظر انسان اندیشور، هر درخت، بازتابی از درختی بهشتی و هر گل، آئینه صفا و پاکی بهشتی است که انسان در آرزوی دستیابی به آن است. می توان در طبیعت به عنوان تجلی الهی بر انسان اندیشید؛ زیرا واجد پیام مابعدالطبیعی و نمایانگر ذات یگانه و صفات متعدد اوست. طبیعت حتی برای کسانی که چندان کمالاتی در امور معنوی ندارند، ولی به زیبایی و حضور معنوی طبیعت حساس اند، سخاوت مند است؛ به همین دلیل صیانت از طبیعت در برابر یورش انسان های حریص که فقط به غایات دنیوی دل بسته اند به راستی وظیفه ای معنوی است. از این رو بسیاری از کسانی در پی احیای میراث معنوی بشرند از جان و دل به طبیعت عشق ورزیده و با همدردی و بصیرت بسیار درباره آن سخن گفته و مطلب نوشته اند. (رستمی -۱۳۸۶: ۱۹ و ۱۸)

قرآن همچنان که تفکرکنندگان در آثار صنع الهی را تمجید می کند، به مذمت کسانی می پردازد که از کنار این نشانه ها روشن به سادگی می گذرند و در آن نمی اندیشند:



«چه بسیار نشانه هایی در آسمان و زمین است که بر آن می گذرند و از آن رخ برمی تابند.» (یوسف/۱۰۵)

علامه طباطبائی می نویسد:

نشانه های بسیاری از آسمان و زمین و وجود نظام بدیع حاکم در آنها به یکتایی پروردگار دلالت می کند و مردم آنها را یکی پس از دیگری مشاهده می کنند، ولی تکرار این نشانه های (روشن) باعث تنبّه و آگاهی آنان نمی شود. این در صورتی است که (یمرون علیها) را کنایه از عبور و مشاهده بدانیم. (رستمی/۱۳۸۶: ۹۴)

قرآن از طبیعت چهره ای رام و مهربان و خادم بشر ارائه می نماید و آن را برای انسان دوست داشتنی جلوه دهد. چهره ای که قرآن از دریا، شب، بادها و... ارائه می کند به گونه ای است که انسان آنها را دوست بدارد و هرگز از آنها کناره نگیرد و به دشمنی آنها نپرداخته، درباره منافع و سودمندی آنها به اندیشه فرو رود.

از نظر قرآن دریا یکی از نعمت های بزرگ خداوندی است که مسخر انسان است و همانند مرکبی راهوار او را در پیمودن راه های طولانی یاری می کند، در تجارت ها به او سود می رساند و در درون خود دارای سنگ های گران قیمتی است که انسان می تواند با غواصی به آنها دست یابد. افزون بر این همه سودمندی، یکی از منابع مهم تغذیه برای انسان به شمار می آید و گوشت تازه از دریا استخراج می شود. قرآن هم چنین بادها را (بشارت دهنده) معرفی می کند که همواره انسان را به باران و حیات بشارت می دهند، کشتی ها را در دریاها به حرکت وامی دارند و انواع گوناگون بادها نشانه های خداوند به شمار می آیند. هم چنین قرآن شب و روز را از نشانه های خداوند معرفی و بیان می کند که شب همانند پوششی است که می توان در کنار آن آرام گرفت و آسایش حاصل نمود و متذکر می شود که آمد و شد شب و روز عاملی برای شمارش سال ها و ماه هاست. (رستمی/۱۳۸۶: ۱۱۴)



حویزی از امام سجاد (علیه السلام) آورده است: خداوند زمین را مناسب طبع شما قرار داد و آن را گرم و سوزان نساخت تا از حرارتش بسوزید و زیاد سرد نیافریده تا منجمد شوید. آن را به قدری معطر قرار نداد تا بوی تند آن به مغز شما آسیب رساند و آن را بد بو نیافرید تا مایع هلاکت شما گردد. آن را برابر آب قرار نداد که در آن غرق شوید و چنان سفت و محکم نیافرید تا بتوانید در آن خانه و مسکن بسازید و مردگان را دفن کنید. آری خداوند این گونه زمین را بستر استراحت شما قرار داد. (رستمی/۱۳۸۶: ۱۱۸)

هفت سوره از قرآن نیز به اسم حیوانات نام گذاری شده است که عبارتند از: بقره (گاو)، انعام (چهارپایان)، نحل (زنبور عسل)، نمل (مورچه)، عنکبوت و فیل و عادیات (اسبان دونده). (رستمی/ ۱۳۸۶: ۳۰۳)

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که در آنها از آفرینش، اقسام، احکام، منافع، آثار و اسامی حیوانات بحث شده است.

در قرآن کریم طبیعت شناسی مقدمه ای بر آیت شناسی و پی بردن به کنه صاحب و خالق آیات می باشد. قرآن کتاب علوم طبیعی نیست بلکه ذکر این علوم را طریقی قرار داده است تا مردم با تدبیر و کاوش در موجودات طبیعی به عظمت مدبر عالم هستی پی ببرند. (عباس نژاد/ ۱۳۸۴: ۸۹)

انسان ها باید با دیدن شگفتیهای خلقت و نظم موجود در جهان ایمانشان به خدا افزوده گردد و ثانیاً با امکانات فراوانی که در طبیعت برای او مهیا گشته است آشنا و بدین وسیله نیز بر معرفتش نسبت به خداوند افزوده شود، و ضمناً با استفاده از صحیح از آنها او را سپاسگزاری نماید.

در قرآن مجید در حدود ۷۵۰ آیه در زمینه خداشناسی از راه علوم طبیعی آمده است. در این آیات خداوند متعال از پدیده های طبیعی به عنوان آیات الهی یاد می کند و بندگان را به تفکر و نظر در آنها دعوت می کند. این آیات را می توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱. آیاتی که در آنها از مواد سازنده اشیاء صحبت شده و یا به کشف آنها امر شده است،



مانند: «... پس انسان باید بنگرد که از چه خلق شده است.» (طارق / ۵)

۲. آیاتی که در آنها از نحوه ی خلقت اشیاء و جهان صحبت شده است،

مانند: «اوست خدایی که آسمانها و زمین را در شش روز خلق کرد و عرش او بر آب قرار داشت.»

(هود/۷)

۳. آیاتی که در آنها امر به کشف نحوه ی خلقت جهان شده است،

مانند: «بگو در زمین سیر کنید و ببینید که خداوند چگونه خلقت را آغاز کرد» (عنکبوت/۲۰)

۴. آیاتی که در آنها امر به مطالعه ی تحولات طبیعی شده است،

مانند: «آیا ندیدی که خداوند از آسمان آبی فرستاد و آن را بصورت چشمه هایی در زمین وارد

نمود، سپس با آن زراعتی را خارج می سازد که رنگ های مختلف دارد بعد آن گیاه خشک می

شود، بگونه ای که آن را زرد و بی روح می بینی سپس آن را در هم می شکنند و خرد می کند در

این مثال تذکری است برای خردمندان ( از ناپایداری دنیا )! « (زمر/۲۱)

۵. آیاتی که در آنها به موجودات طبیعی قسم خورده شده است و آنها را ارج نهاده،

مانند: «سوگند به خورشید و پرتو تابانش و به ماه آنگاه که در پس خورشید برآید، و به روز آنگاه که

جهان را روشن سازد و به شب وقتی که عالم را در پس سیاهی کشد، و به آسمان بلند و آنکه آن

را بنا کرد و به زمین و آن که آن را بگسترده.» (شمس/۱-۶)

۶. آیاتی که در آنها صحبت از وجود نظم در طبیعت و اتقان صنع باری شده است،

مانند: «کوه ها را می بینی ، و آنها را ساکن و جامد می پنداری، در حالی که مانند ابر در حرکتند

این صنع و آفرینش خداوندی است که همه چیز را متقن آفریده او از کارهایی که شما انجام می

دهید مسلماً آگاه است!» ( نمل / ۸۸)

۷. آیاتی که در آنها صحبت از هماهنگی بین خلقت انسان و سایر موجودات و مسخر بودن

امکانات طبیعی برای انسان شده است،



مانند: «او آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه را از سوی خودش مسخر شما ساخته در این نشانه های ( مهمی ) است برای کسانی که اندیشه می کنند!» (جائیه/۱۳) (عباس نژاد/ ۱۳۸۴: ۸۴-۸۷)

## ۵. تعامل بین طبیعت و انسان از نگاه قرآن

در دیدگاه قرآنی هیچ گونه مبارزه و جنگی میان عناصر طبیعی آسمانی و زمینی وجود ندارد؛ بلکه بر عکس، انسجام و هماهنگی بسیار دقیقی در بین قوای طبیعی وجود دارد که آنها را به یک دیگر مرتبط ساخته است. مثلاً آب از آسمان فرو می ریزد و سبب رحمت و نعمت خداوندی می گردد، زمین در پی بارش باران به اهتزاز در می آید و به واقع به باران نازل شده جواب مثبت می دهد و باعث رشد و نمو گیاهان گوناگون می گردد. پس سخن از جنگ و غالب و مغلوب نیست، بلکه سخن از هماهنگی و انسجام برای ادامه حیات و بهره دهی هر چه بیشتر طبیعت است.

### ۱-۵. آب

آب که یکی از اصلی ترین ماده ها در طبیعت است بسیار در قرآن از آن یاد شده است. آب منشأ حیات همه موجودات است. قرآن می فرماید: «...هر چیز زنده ای را از آب قرار دادیم؟!...» (انبیاء/۳۰)

نگاه مسلمانان به آب، نگاهی سرشار از قداست و پاکی و عظمت و بزرگی است. آب وسیله ای است که زمینه ارتباط آنان با معبودشان را فراهم می سازد. در اسلام هیچ کس نمی تواند به راز و نیاز با خدا بپردازد و در آستان مقدس او به نماز ایستد مگر این که خود را با آب شستشو دهد. شستشو با آب دارای ویژگی هایی است که اگر درست انجام شود نام وضو و غسل به خود می گیرد.

به تعبیر امام صادق (علیه السلام): «طعم آب طعم زندگی است.» (مجلسی/۱۴۰۴: ج ۶۶/۴۴۷)





## ۲-۵. فصل‌ها

امام صادق (علیه السلام) در گفتگو با مفضل به سودمندی بسیار در وجود سرما و گرما در طول سال اشاره فرموده و آن را سبب عبرت بشر و دلیلی محکم بر تدبیر حکیمانه الهی دانسته اند: (ای مفضل) به گرما و سرما با دیده عبرت بنگر که پیاپی بر این عالم وارد می شوند.

این دو دما، با فزونی و کاستی و تعادل باعث شده اند که فصول و تنوع هوا در سال پدید آید و مصالح فراوان را در پی داشته باشند. این (گرما و سرما) بدن‌ها را دباغی کرده، باعث پایداری و استحکام آنها می گردند. تأمل کن که چگونه یکی از آن دو به تدریج وارد دیگری می شود و آن دیگری اندک اندک کم و دیگری آرام آرام افزوده می شود تا هر یک به منتها درجه خود در فزونی و کاستی برسند؛ اگر یکی از آن دو ناگهان وارد دیگری می شد باعث بیماری و زیان بدن‌ها می گردید... (مجلسی/۱۴۰۴: ج ۳/۱۱۸)

## ۳-۵. باد

خداوند متعال سوره مبارکه ذاریات را با سوگند به بادهای آغاز می کند:

«وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا» (ذاریات/۱)

در ذیل این آیه در مجمع البیان جلد ۹، صفحه ۲۳۰ طبرسی نیز دلیل قسم به بادهای را دو چیز دانسته است: نخست سودمندی های فراوان در بادهای برای بندگان؛ دوم این که بادهای دلیلی بر وحدانیت خداوند و نوسازی آفرینش اوست.

## ۴-۵. سبزی و نشاط

حضرت امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) از پدران خود (علیهم السلام) نقل فرموده است که حضرت علی (علیه السلام) فرموده اند: «بوی خوش، عسل، سوارکاری و نگرستن به مناظر سبز باعث نشاط و شادی می شود.» (رستمی/۱۳۸۶: ۶۰)



حنان نیز چنین گزارش می کند: «من و امام صادق (علیه السلام) بر سر سفره غذا بودیم، امام سبزی میل فرمود ولی من به دلیلی سبزی تناول نمی کردم؛ حضرت به من فرمود: مگر نمی دانی که هیچگاه برای امیر مؤمنان علی (علیه السلام) غذا نمی آوردند مگر این که در کنار آن سبزی وجود داشت؟ گفتم چرا؟ حضرت فرمود: دل های مؤمنان سبز است و به سبزی اشتیاق دارد.» (رستمی/ ۱۳۸۶: ۶۱)

### ۵-۵. آسمان راهنمای مسافران

و نیز قرآن بیان می کند ستارگان آسمانی نور می دهند تا مسافران در خشکی ها و دریاها راه خود را بیابند و بدین سان ستارگان نیز به زمینیان سود می رسانند، نه این که به دشمنی با آنان برخیزند. در تصویری که قرآن از ارتباط آسمان و زمین ارائه می دهد، همکاری عمیق و تعادل آنها با هم کشف می شود؛ همکاری معطی با معطا، و معامله بخشنده و گیرنده عطا. (رستمی/ ۱۳۸۶: ۹۷ و ۹۸)

### ۶-۵. واکنش طبیعت به اعمال بشر

انسان جزئی از پیکره و بدنه ی متحد و مرتبط الاجزای عالم امکان است و مظالم و گناهان او فساد در زمین و دریا را در پی دارند، چنان که خوبی ها، اطاعت ها و صلاح او، برکات آسمان و زمین را در پی دارند. در مقابل آتش فساد یاد شده به طور طبیعی هم دامن خود انسان تبهکار را و هم موجودات دیگر خشکی و دریا را می گیرد. از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: حیات موجودات زنده ی دریا به باران وابسته است که اگر بند آید فساد، دریا و صحرا را فرا گیرد و این هنگامی است که گناه فراوان شود. (جوادی آملی/ ۱۳۹۴: ۷۳۱)

در قرآن کریم آیات فراوانی به این موضوع اشاره دارند از قبیل: «فساد، در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده اند آشکار شده است...» (روم/ ۴۱)؛ «هر مصیبتی به شما رسد بخاطر اعمالی است که انجام داده اید...» (شورا- ۳۰)؛ «اگر اهل شهرها و آبادی ها، ایمان می آوردند و تقوا



پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم؛ ولی [آنها حق را] تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.» (اعراف-۹۶)؛

« خداوند سرنوشت هیچ قوم [و ملّتی] را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند» (رعد-۱۱)

## ۶. ویژگی های طبیعت در قران

در مشاهده آیات قران پی می بریم بعضی از ویژگی های طبیعت عام است و شامل همه موجودات می شود؛ اما برخی دیگر با نام حیوانی خاص یا موجودی خاص ذکر شده است، که این دو جداگانه بررسی می شوند.

### ۶-۱. ویژگی های عمومی طبیعت در قران

#### ۶-۱-۱. برخورداری از هدایت و شعور

قرآن کریم سراسر جهان هستی را دارای شعور و هدایت می داند. شعور ادراک دقیق است، از شعر به معنای مو گرفته شده، به خاطر دقتش. هدایت هم در لغت به معنای دلالت و ارشاد است در اصطلاح نیز هدایت برخورداری موجودی از کمالی است که با نظم خاص و صحیحی به آن می رسد به دیگر سخن برقراری ارتباط خاص میان موجود و آینده کمالی آن را هدایت گویند.

هدایت همگانی که به آن هدایت عام می گوئیم این است که میان هر کار و مبدأ و منتهای آن همواره نظم خاصی باشد، جهان هستی دارای این نظم خاص است. پس هیچ چیز بدون هدایت نیست و مقابل این هدایت عدم محض است. پروردگار ما کسی است که ساختار تکاملی هر چیزی را به او داد آنگاه وی را به مقصد خاص هدایت کرد. (طه/۵۰)؛ (جوادی آملی / ۱۳۸۹: ۲۱ و ۲۲ و ۲۳)

قرآن کریم هر یک از موجودهای طبیعی را دارای راه خاص و هدف مخصوص و هدایت ویژه می داند نمونه های آن در سوره زمر-۲۱ نحل-۶۸ و ۶۹ نحل-۱۵ زخرف-۱۰ طه-۵۳ اعلیٰ-۲ و ۳

الرحمن-۲۹ آمده است. (جوادی آملی / ۱۳۸۹: ۴۲ و ۴۰)



هیچ جنبنده ای در زمین و هیچ پرنده ای که با دو بال پرواز می کند نیست مگر این که امت هایی مانند شما هستند... پس همگی به سوی پروردگارشان محشور می شوند. (انعام/۳۸)

امت یعنی جمعیتی که قدر مشترکی دارند؛ مثل دین واحد یا زبان واحد یا صفات واحد. آیا مقصود از همانند بودن پرندگان با آدمیان در این است که هم آنها و هم انسان ها نشانه های عظمت خدایند؟ یا مقصود همانندی در فهم و شعور است؛ یعنی پرندگان نیز همانند انسان ها می فهمند ولی در سطح پایین تر؟ ظاهر آیه معنای دوم را بیان می کند.

در آیه ۴۴ سوره اسراء خداوند می فرماید: هیچ چیز در جهان خلقت نیست مگر اینکه خدا را حمد و تسبیح می کنند ولیکن شما تسبیح آنها را نمی فهمید اگر شرط هدایت پذیری داشتن شعور باشد پس همه چیز در عالم شعور دارد و بسیاری از واژه های قرآن که از منظر برخی مجازاً استعمال شده اند از منظر دیگران حقیقت اند مثلاً «و اسئل القرية» (یوسف-۸۲) از این آبادی سؤال کن اگر کسی از قریه نتوانست بپرسد بر اثر آن است که زبان آن را نمیداند. و این نقص اوست یا در مورد تسبیح کوه ها یا حضرت داوود حقیقت است. تنها مردان الهی مثل حضرت داوود نیستند که شب و روز تسبیح گوی حقد و داد و ستهای دنیوی آنان را از یاد خدا فقط نمی کند بلکه کوهها و بیابان ها با حضرت داوود صبحگاهان و شامگاهان خدا را تسبیح می گفتند. (مکارم شیرازی/ ۱۳۸۶: ۳-۳۴ و ۳۵)

و در جای دیگر می فرماید: و ما به داوود از سوی خود فضیلتی بزرگ بخشیدیم؛ [ما به کوهها و پرندگان گفتیم:] ای کوهها و ای پرندگان! با او هم آواز شوید و همراه او تسبیح خدا گوید! و آهن را برای او نرم کردیم. (سبا/۱۰)

در سوره بقره آیه ۷۴ می فرماید: پاره ای از سنگ ها از ترس خدا از بلندی فرود می آیند. در جایی دیگر می فرماید: اگر این قرآن را بر کوهی نازل می کردیم، می دیدی که در برابر آن



خاشع می شود و از خوف خدا می شکافد! اینها مثالهایی است که برای مردم می زنیم، شاید در آن بیندیشید! (حشر/۲۱)

تسبیح موجودات جهان اعم از جاندار و نبات و جماد نیز با برهان فلسفی ثابت می شود. در جهان هستی آنچه اصیل است و سرچشمه آثار و کمالات، وجود است و وجود یک حقیقت بیش نیست اگر چه حقیقت وجود برای ما روشن نیست ولی ما با یک رشته مفاهیم ذهنی به آن اشاره می کنیم مثلاً می گوئیم وجود عدم را طرد می کند، وجود به هر چیز عینیت و حقیقت می بخشد پس یک حقیقت داریم به نام وجود که در هر مرتبه ای از مراتب هستی باشد سهمی از وجود را دارا است اگر وجود در یک جاندار دارای اثر علم و ادراک شد، این اثر در تمام موجودات دیگر هم هست، در غیر این صورت باید وجود نباشد پس وجود یک حقیقت است که دارای مراتب شدت و ضعف می باشد در مرتبه بالا اوصافش تا بی نهایت کامل است و هر چه پایین می آید همان اوصاف را دارد اما ضعیف و ضعیف تر می شود. زیرا معنا ندارد یک حقیقت در مرتبه ای دارای اثری باشد و در مرتبه دیگر فاقد آن. (عباس نژاد/ ۱۳۸۴: ۷۸)

## ۲-۱-۶. سجده موجودات

در آیه ۱۵ سوره رعد از سجده هر آنچه که در آسمانها و زمین است و حتی سایه های آن ها سخن می گوید: « وَ لِلّٰهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ ظِلَالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ »؛ بازدید کننده گرمی چنانچه تمایل دارید، شما هم می توانید تفسیر ای در سایت ثبت کنید، تا با نام خودتان ثبت و در سایت نمایش داده شود. «هر آنچه در آسمانها و زمین هستند با رضایت و یا اجبار و سایه های آنها دائماً صبح و شب برای خدا سجده می کنند. منظور از سجده افتادن روی زمین با قرار دادن پیشانی یا چانه بر زمین است و منظور از کره با (با فتنه) سختی که از خارج به انسان رو می کند.



و اگر با ضمه باشد (کُره) نارضایتی از درون است و در آیه لفظ کُره آمده پس عامل نارضایتی از بیرون است بعضی از این اشیاء در مجموعه هستی که قرار می گیرند دچار تراحم می شوند و از رسیدن به اهداف و کمال که در وجود آنها نهفته شده باز می مانند و چون این مزاحمتها مخالف طبیعت آنهاست بر ایشان ناخوشایند است و موجودات در سجده نارضایتی درونی ندارند. (طباطبایی/ ۱۳۹۱: ج ۱۱-۳۲۱)

حضرت امیرالمؤمنان فرموده اند:

بانگ خروس، نماز و بال زدنش رکوع و سجود اوست. (جوادی آملی/ ۱۳۹۴: ۶۴۸)

خداوند در سوره نحل آیه ۴۹ می فرماید: و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است از جنبدگان و فرشتگان، برای خدا سجده می کنند و تکبر نمی ورزند.

در جای دیگر آمده است: «آیا ندیدی که تمام کسانی که در آسمانها و کسانی که در زمینند برای خدا سجده می کنند؟! و [همچنین] خورشید و ماه و ستارگان و کوه ها و درختان و جنبدگان، و بسیاری از مردم! اما بسیاری [ابا دارند، و] فرمان عذاب درباره آنان حتمی است» (حج/ ۱۸)

### ۳-۱-۶. حشر

یکی از مباحثی که دلالت بر شعور تمامی موجودات می کند مسأله حشر یا معاد موجودات است. (شرفی/ ۱۳۹۰: ۷۴)

جمیع موجوداتی که در عالم هستی وجود دارند دارای غایتی می باشند و تمام تلاش آنها رسیدن و متصل شدن به آن غایت است می باشد در این صورت می توان گفت تمام اجسام قابلیت دارند از آنچه در آن واقفند به حیاتی برتر و کمالی بالاتر برسند. (شرفی/ ۱۳۹۰: ۸۰)

و همینطور در استکمال درجه پیش می روند تا اینکه صورتشان به صورت نفس تبدیل یافته و متحد با عقل فعال که نوری از جانب خداوند است متحد شوند. (شرفی/ ۱۳۹۰: ۸۰ و ۸۱)

قرآن به حشر موجودات زنده تصریح می نماید. خداوند در آیه ۳۸ سوره انعام می فرماید: «هیچ



جنبده و پرنده ای در روی زمین نیست مگر اینکه آنها نیز مانند شما گروههایی هستند و همه به سوی پروردگار خویش محسوس خواهند شد و ما در کتاب از چیزی فرو گذار نکرده ایم»  
علامه طباطبایی می فرماید: خطاب این آیه به مردم است که می فرماید: همه ی حیوانات زمینی و هوایی امت هایی مثل شما هستند. از این بیان فهمیده می شود که این شباهت تنها از نظر کثرت و عدد نیست چون جماعتی را به صرف کثرت و زیادی عدد امت نمی گویند، بلکه زمانی به افراد زیاد، امت اطلاق می شوند که جهتی جامع این کثیر را به صورت واحدی در آورده باشد و همه یک هدف را در نظر داشته باشند و یکی از جهات اشتراک آنها به انسان در خود آیه ذکر شده و آن هم مسأله بازگشت به سوی خداست «ثم الی ربهم یحشرون» (شرفی/۱۳۹۰: ۸۳)

خوشبختانه دانش امروز وجود علم و ادراک را در جهان نبات ثابت نموده است تا آنجا که دانشمندان روسی معتقدند گیاهان اعصاب دارند و فریاد می شکند لابر اتوار علایم کشاورزی مسکو فریاد و گریه های ریشه گیاهی را که در آب گرم قرار گرفته بود ضبط کرد. (شرفی-۱۳۹۰: ۷۹)

#### ۴-۱-۶. نطق در عالم خلقت

در قرآن وقتی مجرمین به اعضای بدن خود می گویند برای چه بر علیه ما شهادت دادید می گویند: ما را به سخن در آورد کسی که همه چیز را به سخن در آورده پس الذی انطق کل شی که صفتی است برای خدای سبحان، مختص به اعضاء نیست بلکه عام است و شامل همه چیز میشود و به وجود آورنده آن هم خدای سبحان است. (طباطبایی / ۱۷: ۳۷۹)

خداوند در سوره نمل آیه ۱۶ می فرماید: حضرت سلیمان به مردم گفت: ای مردم به ما سخن گفتن پرندهگان تعلیم داده شده است. به سخن گفتن مورچگان نیز در همین سوره آیه ۱۸ اشاره گردیده است. معنای حقیقی نطق اظهار آنچه در ضمیر است از راه سخن گفتن و پیش نیاز آن علم است (تا علم نباشد نطقی نیست) که آن علم را برای دیگران آشکار می کند.

علامه طباطبائی معتقد است تمام الفاظ، قول، تکلم، شهادت، و نطق در معنای حقیقی خود است.



## ۶-۲. ویژگی‌هایی برای موجودات خاص

### ۶-۲-۱. شایستگی دریافت وحی در زنبور عسل

الف: ویژگی مسکن زنبور عسل : زنبور عسل برای ساختن لانه هیچ صدمه‌ای به طبیعت وارد نمی‌سازد، زمین را حفر می‌کند و نه درختی را سوراخ می‌کند و نه به شاخه و برگ درختان و ساقه‌های گیاهان صدمه وارد می‌کند، چنان‌که مورچه‌ها و موربانه‌ها و حتی پرندگان در ساختن لانه صدماتی بر طبیعت وارد می‌کنند.

ب: ویژگی تغذیه‌ای: غذای طبیعی این حشره شیره‌ی گل هاست که اگر شیره‌ی آنها مصرف نشود با پژمرده شدن گل‌ها رو به نابودی خواهد گذاشت. بنابراین زنبور عسل برای تغذیه‌ی خود نیز هیچ نقصی بر منابع طبیعی مورد نیاز موجودات وارد نمی‌سازد و بلکه تغذیه‌ی این حشره موجب گرده‌افشانی و باروری مزارع و درختان نیز می‌گردد، در صورتی که دیگر حیوانات و پرندگان برای تغذیه بخشی از منابع طبیعی مورد نیاز را نابود می‌کنند.

ج: ویژگی محصول و فرآورده: غذای مازاد بر نیاز این حشره به صورت مایعی شیرین، پرخاشیت و شفا بخش از بدنش خارج می‌شود و هیچ پرنده یا حیوان دیگری نیست که چنین محصول گواری که غذای کاملی برای انسان باشد در اختیار او بگذارد. (رستمی / ۱۳۸۶: ۳۲۷-۳۲۸)

### ۶-۲-۲. همراهی سگ با اصحاب کهف

گروهی خواهند گفت: (آنها سه نفر بودند، که چهارمین آنها سگشان بود!) و گروهی می‌گویند: (پنج نفر بودند، که ششمین آنها سگشان بود...) (کهف/۲۲) سگ در کنار انسان‌های مؤمن شمارش شده و با آنان در مقبره جای گرفته است.

### ۶-۲-۳. مسؤولیت پذیری مورچه‌ها و آگاهی دادن به جمع

در سوره نمل آیه ۱۸ خداوند می‌فرماید: مورچه‌ای متوجه لشکر سلیمان شد و با داد و هوار به هشدار دوستانش پرداخت. از این مطلب قرآن چنین استفاده می‌شود که مورچه‌ها برای جمع کار





می کند نه برای خود، از این رو وقتی مورچه ای - که شاید وظیفه اش نگهبانی دادن است - متوجه خطر می شود خود به تنهایی نمی گریزد، بلکه سراسیمه به سوی وظیفه اش می شتابد و هرگز به فکر آن نیست که تنها خود را از خطر برهاند. (رستمی / ۱۳۸۶: ۳۴۷)

اگر کسی اهل تسبیح باشد از کاروان در حال حرکت سبحان عقب نیافتاده است (نه جلو باشد که سبب غرور شود) زیرا سالکان هوشیار و اهل تسبیح می فهمند که با میلیاردها موجود دیگر در حال حرکت تسبیحی هستند. (مکارم شیرازی / ۱۳۸۶: ۳ و ۳۴۳)

## ۷. آثار تربیتی همگامی با خلقت

بر اساس توحید تام در همه مراحل آن (ذات - صفات و افعال و آثار) تنها پیروی حیاتبخش بشر، همان تبعیت از هدایت الهی است که دارای آثار اثباتی و سلبی فراوانی است.

### ۱-۷. نفی خوف و حزن و هراس در معاد

« وحشت بزرگ، آنها را اندوهگین نمی کند » (انبیاء/ ۱۰۳)

### ۲-۷. دستیابی به سلامت دل

« و درود بر آن کس باد که از هدایت پیروی می کند! البته به ما وحی شده که عذاب (هر دو سرا) بر آن کس است که آیات خدا را دوغ پندارد و به آن پشت کند. » (طه / ۴۷ و ۴۸)

### ۳-۷. تعدیل اندیشه و انگیزه بشر

هدایت الهی خدا با فطرت و طبیعت انسان هماهنگ است نیازهای صادق، او را از حاجت های کاذب و اسباب حق و صحیح، او را از ابزار باطل جدا می سازد. و انسان را از اسراف و اشراف و بی بند و باری و رهایی آلوده می رهاند.

خدایتعالی در بهره وری از مواهب طبیعی می فرماید: «تا شما را تا مدّت معینی، [از مواهب زندگی این جهان،] به خوبی بهره مند سازد» (هود/ ۳)

تمتع درآیه به حسن مقید شد و تحسین همان تعدیل است. (استفاده نکردن از مواهب مردود است)



و هرگونه لذتی در قلمرو طبیعت مقدر انسان باشد، اگر به زیبایی، تعدیل و تحسین شود، همان پذیرش هدایت الهی است.

خداوند در قرآن می فرماید: «کسی که هدایت الهی را نپذیرفته واز یاد خدا رو گرداند گرفتار زندگی تنگ شده آسودگی و آسایش نداشته، پیوسته نسبت به گذشته غمگین و دربارہ آینده هراسناک است.» (طه/ ۱۲۴)

منظور از زندگی تنگ فشار مالی نیست بلکه انسان زیاده خواه دو فشار دارد نگران از نگهداری ثروت های موجود و نگرانی به جهت افزودن به ثروتش. (جوادی آملی / ۱۳۸۹: ۶۲-۶۷)

## ۸. اتحاد با طبیعت در رفتن به سوی خدا

خداوند سبحان کمال محض و هر چه آفریده کامل است و عالم و آدم از مظاهر کمال حقند. از نظر دین کمال انسان در هماهنگی او با جهان آفرینش است راه هماهنگ شدن انسان با نظام پیوسته جهان کسب فضایل اخلاقی است که پس از آن به مرتبه عمل برسد و با عمل به آن به هدف آفرینش خودش نائل گردد.

خداوند از ذکر آفرینش جهان طبیعت، در قرآن می خواهد ما انسان ها به دو چیز برسیم:

الف) عالم شدن: طبق آیه ۱۲ سوره طلاق، خداوند مجموع آسمانها و زمین را خلق کرده است تا شما به قدرت بیکران و علم احاطی او عالم بشوید، این همان توحید است شناخت خداوند یکتا با دارا بودن تمام صفات کمال.

ب) عابد شدن: در سوره ذاریات آیه ۵۶ می فرماید: «خلقت جن و انس تنها برای این است که خدا را عبادت کنند.» که از همراهی علم و عبادت، عاقل شدن به بار می آید. (جوادی آملی / ۱۳۷۹: ۳۲۰) به عبارت دیگر با پی بردن به رموز طبیعت آدمی به توحید می رسد و از تغییرات پیوسته و حرکت رو به کمال آن، هدفمندی، و از عبث نبودن و دارای هدف بودن عالم آخرت به اثبات می رسد.



میتوان از مرحله توحید به مرحله اتحاد رسید مراد از اتحاد، اتحاد شهودی است نه وجودی به این معنا که انسان سراسر جهان را آیت با نشانه و مظهر ذات خدا و برای غیر او سهمی از هستی قائل نباشد و همه جا صدای او را بشنود و اثر او را ببیند زیرا تمام منادیان توحید الهی می باشند. قرآن در سوره اسراء آیه ۴۴ می فرماید: «هیچ موجودی نیست مگر اینکه سبحان الله و الحمد لله می گوید و لکن شما تسبیح آنان را نمی فهمید.» و چون تسبیح و تحمید از تکبیر و تهلیل جدا نیست پس هیچ موجودی نیست که لا اله الله و الله اکبر نگوید بنابراین تسبیحات اربع ذکر هر موجودی است. البته فهمیدن تسبیح آنها از عهده توده انسان ها خارج است. اما خواص می توانند آن را درک کنند. (جوادی آملی / ۱۳۷۹: ۳۳۹)



## نتیجه بحث

با مطالعه این نوشتار می توان به این دستاوردها رسید.

۱. دین با طبیعت رابطه تنگاتنگی دارد و به طبیعت ارج می نهد.
۲. ادیان از ابتدا تا کنون هیچگاه به بشر آموزه های فساد- تباهی- ویرانی طبیعت را نداده اند.
۳. طبیعت انسان ساز است کاملترین درسها را به بشر به صورتی کاملاً ساده و روان می آموزد.
۴. طبیعت شعور دارد و در برابر خوبیها و بدیهای افراد و جوامع واکنش مثبت یا منفی از خود نشان می دهد.
۵. در آموزه های دین انسان ها همراه طبیعت به سوی خدا بازگشت می کنند و اگر همراه طبیعت تسبیح و حمد و سجود به درگاه الهی داشته باشند بازگشتی پیروز خواهند داشت .

۶. دین اسلام به ما می گوید در شبانه روز حداقل ده بار بگویید ایاک نعبد و ایاک نستعین در این



آیه آیا همراهی با طبیعت در سیر به سوی خدا از ما خواسته نشده است؟  
 ۷. درسه‌های طبیعت عملی است نه زبانی پس با گوش و چشم دل باید آموخت.



### منابع

#### \* قرآن مجید

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه ی محمد داوودی، بیروت، دار القلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲.
۲. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۹.
۳. جوادی آملی، عبد الله، تفسیر موضوعی قرآن کریم هدایت در قرآن، قم، چاپ چهارم، اسراء، ۱۳۸۹.
۴. ....، تفسیر موضوعی معرفت شناسی در قرآن کریم، قم، چاپ دوم، اسراء، ۱۳۷۹.
۵. ....، مفاتیح الحیاة، قم، چاپ ۸۸، نشر اسراء، ۱۳۹۴.
۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح فی اللغة و العلوم، تهران، انتشارات امیری، ۱۰۸۵.
۶. الحسینی الزبیدی، سید محمد مرتضی، تاج العروس، بیجا، دارالهدایة، ۱۳۸۵ ه. ق.
۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۸. رستمی، محمد حسن، سیمای طبیعت در قرآن، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
۹. زکریا، ابن ماربن، معجم مقاییس اللغة، بیجا، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.
۱۰. سلیمانی اردستانی، عبد الرحیم، یهودیت، قم، نشر آیات عشق، ۱۳۸۲.
۱۱. شرفی، صغری، علم و شعور در موجودات هستی، بیجا، مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران، ۱۳۹۰.



۱۲. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، جلد ۱۱-۱۳، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۱.
۱۳. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران، مکتبه المرتضویه، ۱۳۷۵.
۱۴. عباس نژاد، محسن، قرآن و علوم طبیعی، چاپ اول، مشهد، مؤسسه انتشاراتی بنیاد پژوهشهای قرآنی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
۱۵. قریشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۴، تهران، چاپ ۱۱، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴، بیروت، لبنان.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، ج ۳، قم، چاپ هشتم، مدرسه الامام امیرالمومنین (علیه السلام)، ۱۳۸۶.

